

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: بابک آزاد

۰۴ اپریل ۲۰۱۳

ارزش جان کارگر !

یکی از عوارض همیشگی نظام ظالمانه سرمایه داری، سوانح حین کار می باشد که در اساس و اغلب به دلیل عدم تهیه وسائل ایمنی ضروری در محیط کار توسط سرمایه داران جهت کاستن از هزینه تولید و افزایش سود خود به وجود می آیند، اما سرمایه داران و مبلغین آن ها همیشه مسئولیت چنین سوانحی را بر دوش خود کارگران و بی مبالاتی آن ها می اندازند و به این طریق مسئولیت خود در این سوانح را لاپوشانی می کنند.

تجربه نشان داده که موفقیت سرمایه داران در این زمینه کاملاً بسته به حد سازمان یابی کارگران و سطح رزمندگی آن ها و وجود سازمان های سیاسی انقلابی طبقه کارگر دارد. هر کجا کارگران متشکل تر و رزمنده تر باشند و احزاب کارگری از قدرت و نفوذ بیشتری برخوردار باشند دولت را مجبور می کنند که بورژوازی حریص را به رعایت برخی از اصول ایمنی کار وادار کند. اما در کشور های تحت سلطه ای نظیر ایران که دیکتاتوری های وابسته دست سرمایه داران را در چپاول نیروی کار کاملاً باز گذاشته اند و قاعداً با سرکوب مبارزات کارگران از متشکل شدن آن ها جلوگیری می کنند، وضع کاملاً فرق می کند.

در این کشور ها اولاً هر حادثه ای را به حساب بی احتیاطی کارگر می گذارند و کارفرما را بی گناه جلوه می دهند؛ و در ثانی بازرس های دولتی که علی الاصول باید شرایط ایمنی کارخانه را بررسی کرده و کارفرما را وادار به رعایت یک سری اصول ایمنی نمایند در سیستم فاسد موجود برای حفظ شغل خویش چشم های خود را بسته و جیبهای خود را باز می کنند و به این ترتیب شرایط مرگباری برای کارگران آفریده می شود.

برای نشان دادن این واقعیت می توان به گزارشاتی که در باره انفجار در کوره کارخانه فولاد غدیر یزد در ۲۰ آذر ماه [قوس] سال ۱۳۹۰ رخ داد، مراجعه نمود. بررسی آن چه در باره این حادثه در مطبوعات جمهوری اسلامی انعکاس یافته به روشنی نشان می دهد که چگونه جمهوری اسلامی تمام قد به دفاع از سرمایه داران برخاسته و آن جا هم که مقصر بودن کارفرما غیر قابل چشم پوشی است با وقاحت تمام با محکومیت های جزئی اجازه نمی دهد که خللی در کار و منافع آن ها ایجاد شود.

در ۲۰ آذر ماه سال ۹۰ یعنی بیشتر از یکسال پیش نزدیکی های تعطیلی کارخانه فولاد غدیر یزد، کوره ذوب آهن کارخانه منفجر می شود که در نتیجه آن ۱۸ کارگر این واحد تولیدی کشته و یک (و به روایتی سه) کارگر نیز مجروح می شوند. محمدعلی مکاری، کارگر مجروح در این حادثه که علاوه بر سوختگی ۴۵ درصدی، پدر خود را نیز در این رویداد دردناک از دست داده است در باره این که این حادثه چگونه رخ داد چنین می گوید:

"کوره کپ شده بود، فولاد مذاب سرد شده داخلش ریخته بودند. دهنه کوره بسته بود. راهی وجود نداشت که گاز خارج شود. گاز زیر مواد مذاب جمع شده بود و فولاد هم که داشت می‌جوشید. پنج ثانیه هم طول نکشید." این کارگر صدمه دیده در ادامه صحبت های خود با خبرنگاری که در این زمینه با وی به گفت و گو نشسته می گوید: "ما می‌دانستیم که لباس پلاستیکی هیچ محافظتی از ما نمی‌کند اما از ترس اخراج حرفی نمی‌زدیم و تحمل می‌کردیم. دولت - همین بازرس‌های کار - باید صاحب کارخانه را مجبور می‌کردند که به کارگرانش لباس ایمنی بدهد. ما که کارگر بودیم و قراردادن کف دستان بود. می‌گفتند این کوره ذوب فولاد و این هم لباس، نمی‌خواهید به سلامت." و در ادامه می گوید:

"بازرس‌ها از اداره کار می‌آمدند اما به درستی کار خود را انجام نمی‌دادند. چرا که در سال های گذشته هم چنین اتفاقاتی (البته نه در این سطح ۱۸ کشته) داشتیم. اگر آن‌ها کارشان را به درستی انجام می‌دادند ما فقط برای کار کردن به کارخانه می‌رفتیم. نمی‌رفتیم که ندانیم امروز زنده بر می‌گردیم یا نه." تعمق در سخنان این کارگر به خوبی عمق شرایط استثمار و ستمی را که از طرف سرمایه داران و دولت حامی آنها در حق کارگران می شود از یک طرف و وضعیت بسیار سخت و دشواری که کارگران ما در آن به سر می از طرف دیگر، با گویائی هر چه بیشتری نشان می دهد.

به گفته کارگران این کارخانه چه در زمان وقوع حادثه ۲۰ آذر ۱۳۹۰ و چه پیش از آن، کارفرما بدون در اختیار گذاشتن لباس کار مناسب، کارگران را به محیط کار اعزام می‌کرده است و آن‌ها همواره به اجبار در مجاورت کوره مشغول کار بوده‌اند به گونه‌ای که سوختگی سطحی همواره یکی از حوادث شایع در میان کارگران این واحد تولیدی بوده است. کارگر صدمه دیده در این حادثه در رابطه با تاریخ سوانح حین کار در این کارخانه می گوید: "از زمان راه اندازی کارخانه در سال ۸۶ تا زمان وقوع حادثه آذر ماه سال گذشته، کوره ذوب کارخانه شش بار دچار حادثه شده بود" و در این رابطه توضیح می دهد که "در سال های ۸۶ و ۸۷ دو نفر از کارگران در جریان حوادث جداگانه دچار حادثه شدند که یکی از آنان فوت کرد و دیگری بر اثر شدت سوختگی در ناحیه چشم نابینا شد."

در ارتباط با انفجار فولاد غدیر یزد در آذر ماه، جالب است بدانیم با این که بازرسان اداره کار در گزارش خود کارفرما را در این حادثه "مقصر ۱۰۰ درصدی" شناخته و معرفی نمودند اما دادگاه جمهوری اسلامی همین کارفرما را در حادثه ای که به مرگ ۱۸ کارگر انجامیده بود به تنها شش ماه حبس تعزیری محکوم نمود. محکومیت شش ماهه به خاطر به قتل رسیدن ۱۸ کارگر توسط کارفرمای مربوطه در کشوری صورت گرفت که در دادگاه های آن جوانانی که در امر ترافیک اخلال ایجاد کرده اند را به جرم "اخلال در ترافیک" به حبس‌های طولانی‌تر از شش ماه محکوم می کنند. همین واقعیت نشان می دهد که ارزش جان کارگر در نظام سرمایه داری ایران و در شرایطی که جمهوری اسلامی با چماق سرکوب این نظام را بر پا نگهداشته، آن قدر پائین است که به حساب نمی آید. با منطق ارزش گذاری و لایذ "طبق قانون" جمهوری اسلامی جان ۱۸ کارگر برابری می کند با ۶ ماه حبس تعزیری کارفرمای حریصی که برای کسب سود بیشتری از قبل استثمار کارگران، ار تهیه وسائل ایمنی لازم برای آنان سر باز زده است!

در آخر موضوعی از زبان محمدعلی مکاری، کارگری که در این حادثه صدمه دیده بسیار قابل توجه و تعمق است. او می گوید:

"چندی پیش برای پیگیری موضوعی به کارخانه مراجعه کردم و مطلع شدم که کارخانه باز شده و فعالیت‌ها از سر گرفته شده است اما هنوز کیفیت رعایت نکات حفاظت ایمنی و بهداشت مانند گذشته پائین است و احتمال تکرار حوادث مشابه وجود دارد." این واقعیت گویای آن است که کارفرما و مسئولین دولتی در حالی که هیچ ارزشی برای جان کارگران قائل نیستند، سعی دارند دوباره با بازی با جان آن‌ها و به قیمت قتل و آوارگی و بدبختی خانواده هایشان، سود

اندوزی کنند و منتظراند تا اگر باز انفجاری در کوره این کارخانه رخ داد، به گونه ای آن را رفع و رجوع کنند. این را هم باید دانست که در انفجار سال ۱۳۹۰ علی اکبر اولیا نماینده وقت مجلس شورای اسلامی و عزیزالله سیفی فرماندار وقت در گفت و گو با ایلنا اعلام کرده بودند که انفجار کپسول گاز یا مهمات مستعمل و عمل نکرده به جا مانده از زمان جنگ دلیل این حادثه بوده است. " با اتکاء به چنین توجیهاتی به نفع سرمایه داران، جای تردید نیست که اگر فاجعه دیگری برای کارگران در کارخانه فولاد غریو یزد به وجود آید، باز وکلای مجلس و فرماندهانی خواهند بود که چنین حادثه ای را به دستگاه های جاسوسی و توطئه های خارجی نسبت دهند تا وظیفه پاسداری از سرمایه داران زالو صفت را به درستی انجام داده باشند.

واقعیت افزایش شدید سوانح حین کار در مراکز تولیدی و کار در ایران تا آن جا که به طور رسمی گزارش داده شده اند (خیلی از سوانح کار رسماً اعلام نمی شوند) نشان می دهند که هر روز ۵ کارگر به همین دلیل جان می بازند. امری که خود به روشنی فقدان وسائل ایمنی لازم در مراکز کار را آشکار ساخته و نشان می دهد که بورژوازی دندان گرد ایران برای سود بیشتر با وقاحت غیر قابل انکاری با جان کارگران بازی می کند. این واقعیت تلخ به نوبه خود مبارزه برای از بین بردن سیستم سرمایه داری و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را با برجستگی در مقابل طبقه کارگر قرار می دهد.